

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين احمده و اشكره و استعينه و استغفره و اتوكل عليه و ائتمني و اسلم على حبيبه و نجيبه و خيرته في خلقه حافظ سرّه و مبلّغ رسالاته بشير رحمته و نذير نعمته سيّدنا و نبينا و حبيب قلوبنا ابي القاسم المصطفى محمّد و على ءاله الأطيبين الأطهرين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين و صلّ على ائمّة المسلمين و حماء المستضعفين و هداة المؤمنين و صلّ على بقيّة الله في الأرضين. اوصيكم عباد الله بتقوى الله و نظم امركم.

همه‌ی برادران و خواهران عزیز نمازگزار و خود را دعوت و توصیه می‌کنم به حفظ تقوای الهی؛ این اصل حرکت یک انسان به سمت کمال و تعالی است. اگر به توفیق الهی بتوانیم در عمل فردی، در عمل جمعی، در کار سیاسی، در کار اجتماعی، رعایت تقوای الهی را بکنیم، همه‌ی خیرات و همه‌ی الطاف الهی شامل حال ما خواهد شد.

ایام مبارک دهه‌ی فجر است. در دهه‌ی فجر، آنچه که بر این حقیر و امثال این حقیر لازم است، دو تشکر است: اول، شکر الهی. با کمال خشوع، با کمال تواضع، جبهه‌ی شکر بر درگاه الهی می‌سائیم که این توفیق را نصیب ملت ایران کرد؛ این حرکت عظیم، این کار بزرگ، این نهضت تاریخ‌ساز، به دست ملت ایران و با رهبری امام بزرگوار انجام گرفت؛ نظام اسلامی تشکیل شد؛ حرکت ملت ایران به سمت خدا، به سمت اهداف الهی، به سمت ارزشهای الهی آغاز شد. هیچ نعمتی از این بالاتر نیست و شکر الهی بر این نعمت بزرگ همیشه لازم است و در ایام دهه‌ی فجر، لازمتر. تشکر دوم، تشکر از ملت ایران است؛ وفاداری کردند، جوانمردی به خرج دادند، گذشت کردند، ایثار کردند، شجاعت نشان دادند، بصیرت به خرج دادند؛ حضور دائمی خود را در طول این سی و سه سال آنچنان حفظ کردند که این نهال با همه‌ی خطرهای، با همه‌ی مشکلات، روزبه‌روز تنومندتر شد، بارورتر شد، بالنده‌تر شد. امروز مثل همان شجره‌ی طیبه‌ای که «اصلها ثابت و فرعها فی السماء»، (۱) در زمین زندگی بشریت ریشه دوانده است و ثمرات و آثار آن به‌طور متواتر نائل و واصل میشود.

امسال بخصوص دهه‌ی فجر ما حال و هوای دیگری دارد. امسال در فضای انقلابهای پیروز این منطقه، چه در تونس، چه در مصر، چه در لیبی، حرکت انقلابی مردم به نتیجه رسید، کارهای بزرگی انجام گرفت؛ این برای ما ملت ایران مژده‌ی بزرگی است، حادثه‌ی شیرین و مبارکی است. امسال ما دهه‌ی فجر و بیست و دوی بهمن را در یک چنین فضائی برگزار میکنیم. باید گفت ملت ایران با پیروزی این انقلابها، به‌طور نسبی از غربت در آمد؛ که حالا امروز من ان شاء الله یک مختصری در این زمینه عرض خواهم کرد.

در این خطبه، سه سرفصل را برای برادران و خواهران عزیز نمازگزار و برای ملت ایران مطرح میکنم؛ در خطبه‌ی دوم با برادران عرب بیشتر سخن خواهم گفت. این سه مطلب، یکی درباره‌ی انقلاب خود ماست؛ مسیری که در این سه دهه طی کردیم، دستاوردهائی که داشتیم، و آینده‌ای که در انتظار ماست. مطلب دوم، نگاهی به مسائل منطقه و مسائل جهان است. مطلب سوم هم دو سه نکته‌ی کوتاه در باب انتخاباتِ پیش رو است.

درباره‌ی مطلب اول، کتابها حرف وجود دارد برای گفتن. آنچه که من به عنوان خطوط اساسی انقلابمان عرض میکنم، فقط یک دو سه جمله است، که شرح و تفصیل آن بسیار طولانی و مفصل است. این خصوصیات در انقلاب ما وجود داشت. انقلاب ما رژیم ضد اسلام را از بین برد، رژیم اسلامی بر سر کار آورد؛ رژیم دیکتاتور و مستبد را از بین برد، رژیم مردم‌سالار به جای آن نشاند؛ وابستگی‌ای که کشور ما در طول سالهای متمادی گرفتار آن بود و در دوران پهلوی‌ها به فجع‌ترین و فضیح‌ترین وضع خود رسیده بود، از بین برد و استقلال همه‌جانبه را به ملت ما داد؛ اختناق نفسگیری که بر ملت ما حاکم بود، از بین برد، آزادی به این ملت داد - آراء خودشان را، حرفهای خودشان را بتوانند آزادانه ابراز کنند؛ فضا، فضای آزادی شد - تحقیرشدگی تاریخی ملت ما را از بین برد، عزت ملی داد. ده‌ها سال ملت ما تحقیر شد. این ملت بزرگ، با این سابقه‌ی تاریخی، با این موارث عظیم فرهنگی و علمی و تاریخی، در مقابل حکام زورگو و فاسد، و پشت سر آنها در مقابل مستعمران و سلطه‌گران بین‌المللی تحقیر شد. انقلاب ما این را از بین برد، تبدیل کرد به عزت ملی. امروز ملت ایران احساس عزت میکنند، احساس تشخص میکنند. انقلاب، ضعف نفس و خودکم‌بینی را در ملت ما از بین برد؛ به جای آن، اعتماد به نفس ملی را به ملت داد. ما خودکم‌بینی داشتیم؛ فکر میکردیم نه کار علمی از ما برمی‌آید، نه کار سیاسی از ما برمی‌آید، نه کار عظیم نظامی از ما برمی‌آید. ما فکر میکردیم یک ملت ضعیفی هستیم؛ این را به ما تلقین کرده بودند، تزریق کرده بودند. انقلاب این را از ملت گرفت، به جای آن، اعتماد به نفس ملی به ما داد. ما امروز در همه‌ی میدانها اعتماد به نفس داریم؛ میدانیم که میتوانیم، و دنبال این توانستن حرکت میکنیم، و همه جا هم بحمدالله به مقاصدمان میرسیم.

ملت ما از مسائل سیاسی منزوی بود، روگردان بود، حوادث کشور را مورد توجه قرار نمیداد. انقلاب این حالت را از ملت ما گرفت، ما را تبدیل کرد به یک ملت آگاه و سیاسی. امروز نوجوانهای ما هم در دورترین نقاط کشور تحلیل سیاسی میکنند، حوادث سیاسی را درک میکنند، روی هر مسئله‌ای تحلیل میگذارند. قبل از انقلاب اینجور نبود. سیاست‌گرایی و سیاست‌فهمی مخصوص یک عده‌ی انگشت‌شمار در این کشور بود. مردم عموماً دور از حوادث کشور بودند؛ دولتها می‌آمدند و میرفتند، قراردادهای بین‌المللی بسته میشد،

کارهای بزرگ در دنیا انجام میگرفت، ملت خبر هم نمیشد. اینها خطوط اصلی این انقلاب است که این حوادث را در این کشور به وجود آورد. این اصول، نهادینه شده است؛ تثبیت شده است. این تحولات، سطحی نیست؛ مقطعی نیست. شعارهای انقلاب، امروز همان شعارهای روز اول است؛ که این نشان‌دهنده‌ی سلامت انقلاب است. شعارها مثل انگشت اشاره‌ای هستند که به هدفها اشاره میکنند، هدفها را ترسیم میکنند. وقتی شعارها تثبیت‌شده در یک نظامی، در یک انقلابی باقی ماند، معنایش این است که هدفها در این نظام به شکل اول است؛ هدفها تغییر پیدا نکرده است؛ دست‌اندرکاران و مردم از صراط مستقیم و هدفهای اصلی منحرف نشده‌اند. امروز شعارهای ملت ایران، همان شعارهای اول انقلاب است.

خب، در این دوره، در این سی و چند سال، زندگی ما تحت تأثیر همین خطوط اساسی قرار گرفته است. ما پیشرفتهائی داشتیم، ضعفها و نقصهائی هم داشتیم. پیشرفتهامان را باید بشناسیم، ضعفهامان را هم باید بشناسیم. اگر ضعفهای خودمان را پنهان کنیم، شناسیم، تجاهل کنیم، این ضعفها خواهد ماند، نهادینه خواهد شد؛ برطرف نخواهد شد. همه‌ی نقاط قوت و ضعف را باید بدانیم.<sup>۱</sup>

نقاط مثبت و منفی هر دو هست، افت و خیز هست، اما حرکت ادامه داشته است؛ این مهم است. جوانهای عزیز ما بدانند؛ در طول این سی و دو سه سال مواردی شده است که ما ضعف نشان دادیم، این حرکت افت و خیز داشته است. همیشه یک جور نبوده است؛ گاهی سرعت و شتاب، گاهی کمتر، اما حرکت هرگز متوقف نشده است و ما در همان جهت اصلی پیش رفتیم؛ که امروز محصول آن را داریم مشاهده میکنیم.

من چند تا از نقاط قوتی را که در این مدت داشته‌ایم، عرض کنم، چند تا هم از نقاط ضعف را عرض کنم. مهمترین نقطه‌ی قوت ما در این سی و دو سه سال عبارت است از غلبه‌ی بر چالشها؛ این خیلی مهم است. ما یک ملتی نبودیم که سرمان را پائین بیندازیم، راهمان را برویم، کسی به ما کاری نداشته باشد؛ نه، از روز اول قدرتهای مجهز جهانی، مسلطین جهانی با ما کار داشتند؛ بنای بر اذیت گذاشتند، بنای بر مانع‌تراشی گذاشتند؛ علیه ما جنگ تحمیل کردند، صدام را به جان ما انداختند، هشت سال ما را گرفتار کردند، تروریست آوردند، تحریم کردند. ما تا امروز بر همه‌ی این چالشها غلبه پیدا کرده‌ایم؛ یعنی هیچکدام از این چالشها نتوانسته است ملت ما و انقلاب ما را پیشیمان کند، به زانو دریاورد؛ ما بحمدالله راهمان را با قامت استوار ادامه داده‌ایم. این مهمترین نقطه‌ی قوت ماست.

یک نقطه‌ی قوت دیگر در این مدت، گسترش خدمات به ملت است، کم‌ و کیفاً. این خدمات نه با گذشته‌ی نزدیک قبل از انقلاب، بلکه با گذشته‌های دوردست هم قابل مقایسه نیست. خدمات عظیمی که در سراسر کشور گسترش پیدا کرده است، هم کیفیتهای این خدمات بالاست، خدمات درجه‌ی اول است - مادی و معنوی - هم کمیت و گسترش آنها زیاد است. این یک نقطه‌ی قوت مهمی است.



نقطه‌ی قوت دیگر، پیشرفت علمی است. عزیزان من! این پیشرفت علمی را دست‌کم نگیرید. این پیشرفتهای خیلی مهم است. علم، پایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه‌ی یک کشور است. این حدیث را من یک وقتی خواندم: «العلم سلطان»؛ (۲) علم، اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشته باشد، میتواند به همه‌ی مقاصد خود دست پیدا کند. این مستکبران جهانی به برکت علمی که به آن دست پیدا کردند، توانستند به همه‌ی دنیا زور بگویند. البته ما هرگز زور نخواهیم گفت، اما علم برای ما به عنوان یک پیشرفت حتماً لازم است.

پیشرفتهای علمی ما در این مدت سی و چند سال، پیشرفتهای حیرت‌آوری است. حالا فناوری هسته‌ای تصادفاً معروف شده است و همه توجه دارند - هم در کشور، هم در دنیا - لیکن فقط این نیست؛ فناوری هسته‌ای هست، علوم هوافضا هست، علوم پزشکی هست - خوشبختانه امروز کشور ما حائز رشته‌های بسیار مهم و دست‌نیافتنی پزشکی است و کارهای بزرگ پزشکی در این کشور انجام میگیرد - زیست‌فناوری هست، نانوفناوری که از علوم جدید و دانشهای نوی دنیاست، هست؛ سلولهای بنیادی که یکی از بزرگترین کارها در عرصه‌ی علم است، هست؛ شبیه‌سازی، ساخت ابررایانه‌ها، فناوری انرژی‌های نو، رادیوداروهای مهم و داروهای ضد سرطان هست؛ و این فهرست ادامه دارد.

اینهایی که من عرض میکنم، رجزخوانی نیست؛ این گواهی مراکز علمی معتبر دنیاست. آنها میگویند سریع‌ترین رشد علمی در همه‌ی دنیا در این سالها، در ایران اتفاق افتاده است. این گزارش سال ۲۰۱۱ است که میگوید سریع‌ترین رشد علمی در همه‌ی دنیا در ایران اتفاق افتاده است. طبق گزارشی که مراکز علمی معتبر دنیا داده‌اند، رتبه‌ی علمی اول منطقه، ایران است. ما این رتبه‌ی اول علمی را برای سال ۱۴۰۴ در نظر گرفتیم؛ هنوز چهارده سال باقی است. همین سال میلادی گذشته گفتند ایران از لحاظ رتبه‌ی علمی در منطقه اول است، در دنیا هفدهم. در سطح دنیا رتبه‌ی علمی کشور ما هفدهم است؛ اینها خیلی مهم است. پس یکی از نقاط قوت ما، پیشرفت علمی است.

یکی دیگر از نقاط قوت ما، پیشرفتهای کشور در ایجاد زیرساختهای فنی و مهندسی و صنعتی است؛ که هر وقت بینندگان خارجی آمدند دیدند و بازدید کردند، آنها را به تحسین وادار کرده است. این کارهای عظیمی که در زمینه‌ی ارتباطات، راه‌ها، ارتباطات مخابراتی و زیرساختهای گوناگون فنی و مهندسی و صنعتی و امثال اینها انجام گرفته است، یک داستان جداگانه است. من واقعاً متأسف میشوم وقتی می‌بینم این گزارشهای روشن و خوب، آنچنان که باید و شاید، به مردم داده نمیشود که مردم خوشحال بشوند؛ بفهمند در کشور چه اتفاقی دارد می‌افتد.

یکی دیگر از نقاط قوت ما در این مدت، انتقال ارزشهای انقلاب به نسل دوم و سوم بود. امروز شما جوانها را نگاه میکنید، می‌بینید این ارزشها را دریافت کرده‌اند. همین شهید عزیز اخیر ما، مصطفی احمدی روشن -

شهیدی که شهادتش دل ما را سوزاند - یا آن شهید جوان قبلی، شهید رضائی‌نژاد، که اوائل امسال به شهادت رسید، اینها دو تا جوان، دانشمند، سی و دو سه ساله بودند؛ امام را درک نکردند، جنگ را درک نکردند، دوران انقلاب را درک نکردند، اما اینجور با شجاعت، با شهامت درس میخوانند، تحصیلات میکنند، مقامات عالی را طی میکنند؛ میدانند و میفهمند هم که مورد تهدیدند، اما میروند؛ این خیلی مهم است، این ارزش است؛ این ارزشهای انقلاب است در نسل سوم. احمدی روشن و رضائی‌نژاد و امثال اینها نسل سوم انقلابند. همین حرکت عظیم این جوانها که بعد از شهادت احمدی روشن اعلام کردند ما حاضریم بیائیم کار کنیم، خیلی مهم است؛ اینها را نباید دست‌کم گرفت. یکی از نقاط قوت و مثبت ما همین است که این ارزشها به نسلهای دوم و سوم منتقل شد. البته ریزش داشته‌ایم، توبه‌کار از انقلاب و پشیمان از انقلاب داشته‌ایم، اما رویشهای ما بیشتر از ریزشهای ما بوده است. نیروهای فرسوده ریزش پیدا کردند، اما نیروهای جوان و باطراوت بالا آمدند و رویش پیدا کردند.

یکی دیگر از نقاط مثبت ما در این مدت، ارتقاء جهش‌وار در اثرگذاری در مسائل عمده‌ی منطقه و مسائل جهان است. امروز نظام جمهوری اسلامی، یک کشور اثرگذار است؛ «آری» و «نه» او در مسائل منطقه، حتی در مسائل جهانی اثر میگذارد؛ این برای کشور خیلی مهم است.

یکی دیگر از نقاط قوت ما، بنیه‌ی قوی و ساخت محکم کشور و نظام در مواجهه‌ی با دشمنی‌هاست. ما در مقابل دشمنی‌ها مضطرب نمیشویم، نگران نمیشویم، دغدغه پیدا نمیکنیم. بنیه‌ی نظام و بنیه‌ی کشور، بنیه‌ی مستحکمی است.

یکی دیگر از نقاط قوت ما، ارتقاء کمی و کیفی مراکز علمی ماست؛ یعنی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه. هم حوزه‌های علمیه‌ی ما از لحاظ کمی و از لحاظ کیفی ارتقاء پیدا کرده است، هم دانشگاه‌های ما. اینها نقاط قوت ماست، و هر کدام از اینها شرحهای طولانی میطلبد، آمارهائی دنبالش هست، و غیر از اینها هم نقاط قوت زیادی داریم.

من این جمله را در ادامه‌ی نقاط قوت عرض بکنم که ملت ایران توجه داشته باشند همه‌ی این پیشرفتهای علمی و اجتماعی و فنی در شرائط تحریم اتفاق افتاده است؛ این خیلی مهم است. دروازه‌های علم را، دروازه‌های فناوری را بر روی ما بستند، راه‌ها را مسدود کردند، محصولات مورد نیاز ما را به ما نفروختند و ما اینجور پیشرفت کردیم. این اتفاقها در شرائط تحریم افتاده است؛ این است که امیدها افزایش پیدا میکند.

ما البته ضعفهائی هم داریم؛ این ضعفها را بایستی از بین ببریم. من بعد برمیگردم به این مسئله‌ی تحریم و شرائطی که تحمیل شده است و یک جمله‌ای عرض خواهم کرد. ضعفهای ما خطرهای است که در سر راه ماست و در این مدت وجود داشته است و باید بعدها جلوی اینها را بگیریم. اولین ضعف ما گرایش به

دنیاطلبی بود که گریبان بعضی از ماها را گرفت. بعضی از ما مسئولین دچار دنیاطلبی شدیم، دچار مادیگرایی شدیم؛ برای ما ثروت، تجمل، آرایش، تشریفات و اشرافیگری یواش یواش از قبح افتاد. وقتی ما اینجور شدیم، این سرریز میشود به مردم. میل به اشرافیگری، میل به تجمل، میل به جمع ثروت و استفاده‌ی از ثروت به شکل نامشروع و نامطلوب، به طور طبیعی در خیلی از انسانها هست. وقتی ما خودمان را رها کردیم، ول کردیم، دچار شدیم، این سرریز میشود به مردم؛ در مردم هم این مسئله پیدا میشود.

ما امروز متأسفانه دچار اسراف و مصرف‌زدگی هستیم. من بارها این را عرض کرده‌ام، باز هم عرض میکنم؛ این خطر است در راه ما. مصرف‌زدگی را باید کم کنیم، حرص به متاع و کالای دنیا را باید کم کنیم. تا یک شایعه‌ای درست میشود که فلان چیز کم است، مردم هجوم می‌آورند برای اینکه بیشتر آن را جمع کنند، که نبادا دچار کمبود آن شوند؛ در حالی که آن شیء ممکن است جزو چیزهای لازم زندگی هم نباشد. خب، اگر آن جنس کم هم نیست، همین هجوم مردم آن را کم میکند. ما به این مسئله توجه نمیکنیم. این یکی از ضعفهای ماست؛ ما این ضعف را باید برطرف کنیم.

یکی دیگر از ضعفهای ما این است که ما به موازات علم، به موازات پیشرفتهای علمی، پیشرفت اخلاقی و تزکیه‌ی اخلاقی و نفسی پیدا نکرده‌ایم؛ این عقب‌ماندگی است. البته امروز در مقایسه‌ی با قبل از انقلاب، بمراتب و مراتب بهتر است - در این هیچ شکی نیست - اما باید پیشرفت میکردیم. در علم پیشرفت کردیم، در سیاست پیشرفت کردیم؛ باید در معنویت و در تزکیه‌ی نفس هم پیشرفت میکردیم. در قرآن هر جا تزکیه و تعلیم از زبان پروردگار است، تزکیه مقدم است بر تعلیم؛ آن هم تعلیم کتاب و حکمت - «یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة» (۳) - فقط یک جا از زبان حضرت ابراهیم، تعلیم مقدم است. بنابراین ما از تزکیه‌ی اخلاقی و نفسی غفلت کردیم.

در عدالت اجتماعی هنوز به نقطه‌ی مورد نظر اسلام - که آرزوی خود ما بوده است - نرسیده‌ایم؛ این هم از نقطه‌ضعفهای ماست. این ضعفها را بایستی جبران کنیم. اینها ضعفهایی است که نمیشود از آنها گذشت. هم مسئولین، هم آحاد مردم باید احساس کنند وظیفه دارند این ضعفها را برطرف کنند. ان شاء الله باید از خدای متعال کمک بخواهیم و این ضعفها را برطرف کنیم. و البته میشود برطرف کرد؛ اینها بدون تردید برطرف‌کردنی است.

خب، به نظر من کارهایی که باید انجام بگیرد برای اینکه این ضعفها برطرف شود، در درجه‌ی اول این نگاه به آینده است؛ در درجه‌ی اول مسئولیت‌پذیری ماهاست. همه‌ی ما باید احساس مسئولیت کنیم؛ بخصوص مسئولین کشور و خدمتگزاران مردم باید احساس مسئولیت کنند. تقصیرها را گردن هم نیندازیم. اینجور نباشد که اگر یک جا یک نقصی پیدا شد، مجلس بگوید تقصیر دولت است، دولت بگوید تقصیر مجلس است،



آن یکی بگوید تقصیر قوهی قضائیه است؛ نه، حدود مشخص است. قانون اساسی خطوط را مشخص کرده است. وظائف همه معلوم است. رهبری مسئولیت دارد، دولت مسئولیت دارد، مجلس مسئولیت دارد، قوهی قضائیه مسئولیت دارد، نیروهای نظامی مسئولیت دارند، دستگاه‌های اجرائی هر کدام مسئولیتهائی دارند؛ به گردن هم نیندازیم. اشکالی به وجود می‌آید، متوجه رهبری است؛ رهبری متواضعانه قبول کند که این اشکال متوجه اوست و سعی کند آن را برطرف کند. این یکی از اساسی‌ترین کارهاست.

کار اصلی دیگر این است که از ارزشهای اصولی نباید غافل شد. سرگرم مسائل فرعی و فروع نشویم، از اصول غافل بمانیم. این هم شرح مفصلی دارد.

حفظ اتحاد و همدلی، یکی دیگر از وظائف ماست. بارها عرض کرده‌ایم که بین مسئولین باید اتحاد و همدلی باشد. سه قوه و دیگران باید با هم همدل باشند، همگام باشند، همدست باشند؛ ولو یک جاهائی اختلاف نظرهای دارند. اختلاف نظر اشکالی ندارد؛ اما بایستی در جهتگیری‌های نظام و کشور و انقلاب پشت به پشت یکدیگر بدهند، دست یکدیگر را محکم بفشردند و به پیش بروند؛ هم اینها، هم مردم با هم، هم مردم با مسئولین. این اتحاد و همدلی، علاج قطعی بسیاری از مشکلاتی است که در کشور وجود دارد.

یکی از کارهای اصلی که باید انجام بدهیم و همه باید به آن توجه داشته باشیم، این است که فریب لبخند دشمن و وعده‌های دروغ جبهه‌ی دشمن را نخوریم. در این سی سال، تجربه هم پیدا کرده‌ایم. گاهی به روی ما لبخند زدند. اوائل گاهی بعضی از ما باور میکردیم. یواش یواش فهمیدیم پشت صحنه چیست. فریب لبخند دشمن را، فریب وعده‌های دروغ دشمن را نخوریم. جبهه‌ی قدرت مادی‌ای که امروز بر دنیا مسلط است، راحت عهد می‌شکند. بدون هیچ دغدغه‌ای عهدشکنی میکنند، زیر قولشان می‌زنند، زیر حرفشان می‌زنند، نه از خدا خجالت میکشند، نه از خلق خجالت میکشند، نه از طرف مذاکره خجالت میکشند؛ راحت دروغ می‌گویند! من نمونه‌های زنده دارم - که حالا در اینجا جای بحث نیست؛ شاید آن وقتی که لازم باشد، عرض بکنم - همین اظهاراتی که آمریکائی‌ها کردند، رئیس جمهور آمریکا کرد؛ نامه‌ای که به ما نوشت، جوابی که ما دادیم؛ بعد عکس‌العمل و اقدامی که آنها با مضمون آن نامه‌ها کردند. اینها یک روزی در اختیار افکار عمومی دنیا - آن وقتی که لازم باشد - قرار خواهد گرفت؛ خواهند دید که اینها چه جوری‌اند، حرفشان چقدر اهمیت و ارزش دارد، وعده‌شان چقدر ارزش دارد. بنابراین یکی از کارهای اساسی ما این است که فریب لبخند و وعده‌ی دروغ اینها را نخوریم.

یکی هم پرهیز از تنبلی و کم‌کاری است. کسالت، کم‌کاری و تنبلی، یک انسان را، یک خانواده را، یک کشور و یک ملت را تباه میکند. همه باید کار کنند؛ کار جهادی. این که ما امسال گفتیم جهاد اقتصادی، یعنی

تحرك اقتصادى بايد جهادگونه باشد. خب، اين راجع به مسائل انقلاب. حرف زياد است، اما وقت كم است؛ به آن مسائل بعدى هم بايد برسيم.

اما مسائل منطقه و جهان. در اين يك سالى كه بين دههى فجر گذشته و امسال هست، ملتهائى منطقه در به زير كشيدن چهار طاغوت موفق شدند؛ اين خيلى مهم است. براى اينكه يك ملتى يكى از اين طاغوتها را به زير بكشد، تلاشهاى زيادى لازم است. در اين سالى كه فاصله بين آن دههى فجر و اين دههى فجر است، چهار طاغوت خطرناك خبيث اين منطقه به زير كشيده شدند؛ اين خيلى حادثه‌ي مهمى است.

يك حادثه‌ي مهم ديگر اين است كه در تونس و مصر، مردم به اسلام رآى دادند. در مصر حدود هفتاد و پنج درصد مردم رفتند پاى صندوقهاى رآى و به گروه‌هاى اسلامى رآى دادند؛ در تونس هم شبيه همين؛ اينها خيلى مهم است. اين معنايش اين است كه همه‌ي تلاشى كه آمريكائى‌ها و غربى‌ها و دستگاه‌هاى تبليغاتى و هاليوود و غيره و غيره از لج جمهورى اسلامى در اين سالها انجام دادند براى اينكه اسلام‌هراسى كنند و حكومت اسلامى هراسى كنند، نقش بر آب شده است؛ مردم طرفدار اسلامند.

يكى از آثار اين حركتها، ضعف و انزواى رژيم صهيونيستى است؛ كه اين هم خيلى مهم است. چون رژيم صهيونيستى در اين منطقه حقيقتاً غده‌ي سرطانى است و بايد قطع بشود و قطع خواهد شد، بنابراين بر اثر اين حركتها دچار ضعف و انزواى بيشتر از هميشه شد. جوانان فلسطينى نشاط پيدا كردند، اميد پيدا كردند، به مبارزات خودشان و آينده‌ي خودشان اميدوار شدند. ملتها اميدوار شدند.

البته در بين اين ملتها، ملت بحرين از همه مظلوم‌ترند؛ چون متأسفانه مورد سكوت و بايكوت همه‌ي رسانه‌هاى دنيا قرار دارند. در هيچ منطق انسانى و جهانى، درخواست آنها مردود نيست، بلكه درخواست بحقى است، ليكن مظلوم واقع شده‌اند؛ بكلى اينها را از دائره‌ي تبليغ و ترويج خارج کرده‌اند، بلكه عليه آنها مرتباً تبليغ ميكنند. البته اثر هم ندارد. آن ملت هم به توفيق الهى پيروز خواهد شد.

من همين جا به اين مناسبت، اين جمله را عرض بكنم: حكام بحرين ادعا كردند كه ايران در قضايائى بحرين دخالت ميكنند. اين دروغ است. نه، ما دخالت نميكنيم. ما آنجائى كه دخالت كنيم، صريح ميگوئيم. ما در قضايائى ضديت با اسرائيل دخالت كرديم؛ نتيجه‌اش هم پيروزي جنگ سى و سه روزه و پيروزي جنگ بيست و دو روزه بود. بعد از اين هم هر جا هر ملتى، هر گروهى با رژيم صهيونيستى مبارزه كند، مقابله كند، ما پشت سرش هستيم و كمكش ميكنيم و هيچ ابائى هم از گفتن اين حرف نداريم. اين حقيقت و واقعيت است. اما اينكه حالا حاكم جزيره‌ي بحرين بيايد بگويد ايران در قضايائى بحرين دخالت ميكنند، نه، اين حرف درستي نيست؛ حرف خلاف واقعى است. ما اگر در بحرين دخالت ميكرديم، اوضاع در بحرين جور ديگرى ميشد!



در جهان هم اوضاع، اوضاع غریبی است. آمریکا دچار ضعف شده است - هم ضعف اقتصادی و مالی، هم ضعف سیاسی - این هم یک واقعیتی است. آمریکا در سیاست خاورمیانه‌ای خودش شکست خورد، در قضیه فلسطین شکست خورد، در قضیه عراق شکست خورد. آمریکائی‌ها میخواستند عراق را مستقیماً خودشان اداره کنند، نتوانستند - ملت عراق ایستاد و نگذاشت - خواستند دولتی دست‌نشانده بیاورند، نتوانستند؛ خواستند با کاپیتولاسیون بمانند، دولت و ملت عراق اجازه ندادند. امروز دولت عراق یک دولت مردمی است، ملت عراق یک ملت زنده و بیدار است؛ و همین موجب شد که آمریکائی‌ها بدون هیچ دستاوردی، آنچه که میخواستند، نشد، از عراق خارج بشوند. البته دخالت‌های نفتی دارند، دخالت‌های امنیتی دارند؛ که لابد ملت و دولت عراق ان‌شاء‌الله در آینده برای آن هم فکری خواهند کرد.

در قضایای داخلی هم - که آمریکائی‌ها سعی میکنند این را پنهان کنند - آمریکا دچار ضعف است. نمیخواهند اقرار کنند که دچار ضعفند. اواما در سخنرانی چند روز پیش در کنگره، کمترین اشاره‌ای به این نکرد که ملت آمریکا بیش از چهار ماه است که توی خیابان‌ها توی این هوای سرد، در سرتاسر آمریکا، در ایالت‌های مختلف، این همه مردم بیایند توی خیابان‌ها بایستند، در مقابل فشار پلیس و ضربه‌های سخت پلیس ایستادگی کنند، این قابل اشاره کردن نبود؟! اصلاً اشاره‌ای نکردند. میخواهند پنهان کنند. این هم حقوق بشرشان است. اروپا هم همین جور است. اروپا هم دچار ضعف است. غیر از مسائل اقتصادی و مالی و پولی - که اینها ضعف‌های عجیبی است و مردم را خشمگین کرده است - از لحاظ سیاسی هم اروپا امروز دچار ضعف است.

من برای شما یک مثال بزنم. دولت فرانسه در دوران ژنرال دوگل که رئیس جمهور فرانسه بود، اجازه نداد که انگلیس وارد اتحادیه‌ی اروپا بشود. چرا؟ گفتند انگلیس وابسته‌ی به آمریکاست؛ نوع ارتباطات انگلیس و آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا را از استقلال می‌اندازد. دوگل نگذاشت که انگلیس وارد اتحادیه‌ی اروپا شود، به خاطر ارتباط و اتصال و وابستگی به آمریکا. این مربوط به آن روز فرانسه است. این آقائی که امروز در فرانسه سر کار است، حرف‌های آمریکا را رله میکند؛ همان حرف‌هایی را که آنها میخواهند، آنچه که در دل آنهاست، تکرار میکند؛ شده تابع محض! خب، این ضعف است. کار اروپا به اینجا رسیده است. این فرانسه است؛ کشورهای دیگر اروپائی هم به طریق اولی همین طورند. این ضعف این دستگاه‌هاست.

امروز غربی‌ها در مسائل اقتصادی دچار ضعفند، در مسائل سیاسی دچار ضعفند، در تصمیمات بین‌المللی دچار ضعفند؛ از جمله همین تصمیم به تحریم ما. اینها خواستند در واقع جمهوری اسلامی را، ملت ایران را به خاطر اسلام مجازات کنند. تهدید کردند: تحریم‌های فلج‌کننده، تحریم‌های دردآور! هی گفتند، گفتند. این تحریم‌ها از دو جهت به نفع ماست: اولاً وقتی ما تحریم بشویم، به استعداد و ظرفیت داخلی رو می‌آوریم، از داخل رشد میکنیم؛ همچنان که در این سی سال این مسئله اتفاق افتاده است. اگر در زمینه‌ی سلاح تحریم

نمیشدیم، امروز این پیشرفتهای عجیب را نداشتیم؛ اگر در قضیه‌ی اتمی، اینها نیروگاه بوشهر را خودشان ساخته بودند، ما در غنی‌سازی پیشرفت نمیکردیم؛ اگر درهای علم را به روی ما نبسته بودند، ما در سلولهای بنیادی و هوافضا و فرستادن ماهواره به آسمان، به اینجاها نمیرسیدیم. پس هرچه ما را تحریم میکنند، ما به ظرفیت داخلی خودمان متوجه میشویم و رو می‌آوریم و این ظرفیت و استعداد روزبه‌روز مثل چشمه‌ی جوشانی شکوفا میشود. پس این تحریم به نفع ماست.

جهت دومی که این تحریمها به نفع ماست، این است که اینها همین طور مرتباً در تبلیغاتشان میگویند ما این تحریمها را میخواهیم بر ایران اعمال کنیم تا ایران را وادار به عقب‌نشینی کنیم؛ حالا مثلاً در قضیه‌ی هسته‌ای. پس همه‌ی دنیا فهمیدند که این تحریمها برای فشار بر ایران، برای عقب‌نشینی در قضیه‌ی هسته‌ای و قضایای دیگر است. خب، وقتی ما عقب‌نشینی نکردیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ این تحریمها برای این است که ایران را وادار به عقب‌نشینی کنند، ایران هم که عقب‌نشینی نخواهد کرد؛ نتیجه این میشود که هیبت غرب و هیبت تهدیدهای غرب در چشم این ملتهای منطقه که قیام کردند، میشکند و عزت ملت ایران و قدرت ملت ایران در چشم اینها زیاد میشود؛ و این به نفع ماست. بنابراین، این تحریمها برای ضربه زدن به ماست، اما از این دو جهتی که عرض کردم، در واقع خدمت به ماست.

این وضع اروپاست. اروپا دچار مشکلات لاینحل اقتصادی است. مردم در اروپا خشمگینند، به مسائل اقتصادی معترضند. من قبلاً هم این را گفته‌ام؛ آن روزی که ملتهای اروپا بدانند که این وضعیت وضعی که دچارش شده‌اند، به خاطر دخالت آمریکا و دخالت شبکه‌ی صهیونیستی جهانی است، این اعتراضهای به خاطر اهداف اقتصادی، تبدیل خواهد شد به یک نهضت عظیم اجتماعی؛ آن وقت است که دیگر باید منتظر دنیای جدیدی بود و دنیای جدیدی به وجود خواهد آمد.

یک جمله هم راجع به این تهدیدهای آمریکا عرض بکنیم. مرتباً تهدید میکنند؛ تهدید به این زبان: همه‌ی گزینه‌ها روی میز است! یعنی حتی گزینه‌ی جنگ. این، تهدید به جنگ است با این زبان. خب، این تهدید به جنگ، به ضرر آمریکاست؛ خود جنگ، ده برابر به ضرر آمریکاست. چرا این تهدیدها به ضرر آمریکاست؟ به خاطر اینکه خود این تهدیدها نشان‌دهنده‌ی عجز آمریکا از مقابله‌ی منطقی و مقابله‌ی گفتمانی است؛ یک گفتمانی در مقابل گفتمان جمهوری اسلامی ندارند؛ نمیتوانند در میدان مقابله‌ی فکری و منطقی، برای خودشان غلبه‌ای ایجاد کنند؛ مجبور میشوند توسل به زور و تشبث به زور بکنند. این معنایش این است که آمریکا جز زور، هیچ منطقی ندارد؛ جز خونریزی، هیچ راهی برای پیشبرد خود ندارد. این، اعتبار آمریکا را بیش از آنچه که تاکنون شکسته است، در چشم ملتها و در چشم ملت خودش خواهد شکست؛ این همان چیزی است که سرنوشت رژیمها را معین میکند. آن رژیم، آن نظامی که اعتبارش در چشم مردم خودش بشکند، سرنوشتش معلوم است؛ مثل رژیم شوروی سابق. اتفاقاً بعضی از صاحب‌نظران غربی همین چند روز

قبل گفتند که امروز وضع آمریکا و غرب شبیه وضع شوروی سابق در سالهای اواخر دهه‌ی ۸۰ میلادی است که منجر به سقوط شد. یعنی وقتی یک رژیمی، یک نظامی از لحاظ گفتمان، از لحاظ منطق، در چشم مردم خودش ساقط بشود، دیگر امیدی به بقای این رژیم نیست. لذا هرچه تهدید کنند، به ضررشان است. البته آنها و دیگران بدانند - میدانند هم - که ما هم در برابر تهدید به جنگ و تهدید به تحریم نفتی، تهدیدهایی داریم که در وقت خودش، آن وقتی که لازم باشد، ان شاء الله اعمال خواهد شد.

درباره‌ی انتخابات هم من چند جمله‌ای عرض بکنم. برادران و خواهران عزیز! ملت عزیز ایران! انتخابات مصونیت‌بخش به کشور است. آن چیزی که هیبت این ملت را حفظ میکند، قدرت معنوی او را به رخ دشمنان میکشاند و آنها را از تعرض منع میکند و میترساند، حضور مردمی است؛ که یکی از مظاهرش همین انتخابات است، یکی از مظاهرش هم همین بیست و دوی بهمنی است که شما در مقابل دارید. هرچه حضور پررنگ‌تر باشد، اعتبار و ارزش ملی بالاتر خواهد رفت. انتخابات هم همین جور است. هرچه صندوقهای رأی شلوغ‌تر باشد، گسترش شرکت مردم بیشتر باشد، اعتبار کشور بالا خواهد رفت، مصونیت کشور بیشتر خواهد شد. مشارکت مردم میتواند آینده‌ی کشور را تأمین و تضمین کند. یک مجلس صالح و سالم و قوی میتواند بر عملکرد همه‌ی دستگاه‌های کشور اثر بگذارد؛ بر عملکرد دولت، بر عملکرد قوه‌ی قضائیه، حتی بر عملکرد نیروهای مسلح میتواند اثر بگذارد. مجلس قوی، مجلس صالح، مجلس سالم، یک چنین وضعی دارد. خب، این مجلس را کی میتواند تشکیل بدهد، جز مردم؟ دشمن این را نمیخواهد. الان دو سه ماه است بوقهای تبلیغاتی دشمن دارند تلاش میکنند که مردم را ناامید و مأیوس کنند تا در انتخابات شرکت نکنند؛ بعضی هم در داخل بدون اینکه بفهمند چه کار دارند میکنند، متأسفانه با آنها همصدا میشوند! آنها مغرضند، اینها غافلند.

مسائل کوچک را نباید بزرگ کرد. نباید القاء بحران کرد. سعی میکنند با هزار وسیله اثبات کنند که در ایران بحران هست. چه بحرانی؟ کدام بحران؟ کشور آرام، ملت قوی، بانشاط؛ این همه کار از سوی دستگاه‌های گوناگون، از سوی آحاد مردم در این کشور دارد انجام میگیرد. به توفیق پروردگار، امنیت کامل برقرار است. دستگاه‌ها با همدیگر همکاری داشته باشند. اگر همکاری بکنند، کارها خیلی بهتر هم خواهد شد. دشمن این را نمیخواهد.

آنچه در انتخابات لازم است، رقابت سالم است؛ رقابت بدون تهمت‌زنی و بدگوئی به یکدیگر است. فضای انتخابات باید سالم باشد. مردم اگر خودشان نامزدهای انتخاباتی را میشناسند، طبق تشخیص خودشان حتماً عمل کنند؛ اگر نمیشناسند، از افراد بصیر و متدین در گزینشهای انتخاباتی استفاده کنند. مجریان انتخابات در اجرای درست انتخابات، دقت کامل را به کار ببرند. اینها چیزهائی است که میتواند یک انتخابات خوب را برای کشور به ارمغان بیاورد. این سی و دو سه انتخاباتی که از اول انقلاب تا امروز داشتیم، خوشبختانه



همه‌ی اینها سالم بوده. البته در همه‌ی اینها کسانی معترض بوده‌اند، اعتراضها رسیدگی هم شده، احیاناً تخلفات بوده است، اما هرگز عدم سلامت در انتخابات وجود نداشته است. بعد از این هم باید همین جور باشد.

من دو سه جمله راجع به این مسئله‌ی صلاحیتها عرض بکنم. شورای محترم نگهبان صلاحیت‌های افرادی را احراز میکند، بعضی را هم احراز نمیکند. من اینجا سه تا نکته عرض بکنم: نکته‌ی اول این است که شورای نگهبان از لحاظ قانونی موظف است صلاحیتها را احراز کند؛ باید تشخیص بدهد، باید برسد به این که این صلاحیت وجود دارد. البته توصیه‌ی همیشگی ما این بوده است که سطح صلاحیتها را آنقدر بالا نبرند که یک عده‌ی معدودی ته آن بمانند. آنچه که موجب صلاحیت است، یک قدری سطح آن را باسماحت‌تر نگاه کنند.

نکته‌ی دوم این که بعضی‌ها به این نظارت‌های شورای نگهبان و عوامل نظارتی معترضند. ممکن است اعتراضشان بجا و واقعاً درست هم باشد؛ منتها توجه کنیم که وقتی یک مقام مسئول قانونی مورد اعتماد تصمیمی گرفت، ما تسلیم باشیم. همه‌مان باید تبعیت کنیم. مثلاً مجلس یک قانونی را میگذراند؛ ممکن است من به آن قانون اعتراض داشته باشم، بگویم این قانون معیوب است؛ اما قانون است، باید بر طبقش عمل کنم. وقتی یک مقام مسئولی که مورد اعتماد هم هست - مثل شورای نگهبان - تصمیمی گرفت، بایستی تسلیم آن شد، باید تبعیت کرد.

نکته‌ی سوم: این را من اعلام میکنم، همه‌ی افراد بدانند؛ اینهایی که رد صلاحیت میشوند، لزوماً آدم‌های بی‌صلاحیتی نیستند. اینجور خیال نشود که حالا چون فلانی در انتخابات رد صلاحیت شد، پس دیگر بکلی از صلاحیت ساقط است؛ نه، طبق قانون، در انتخابات نمیتواند به عنوان نامزد شرکت کند، اما ممکن است مقامی که او را رد صلاحیت کرده، اشتباه کرده باشد. ممکن است برای این کار صلاحیت نداشته باشد، اما صلاحیت‌های فراوان دیگری داشته باشد. اینجور نباشد که اگر کسی رد صلاحیت شد، این معنایش این باشد که او دیگر از هستی ساقط شد؛ نه، صلاحیت‌های گوناگون دیگری وجود دارد.

آخرین مطلب در باب انتخابات این که: مسئولان از توطئه‌ی دشمن در کار انتخابات غافل نشوند. آن کسانی هم که در انتخابات رأی نمی‌آورند، مواظب باشند آن کلاهی که بر سر رأی‌نیاوردگان سال ۸۸ رفت، بر سر آنها نرود؛ فریب نخورند. همه‌ی نامزدهای انتخابات و همه‌ی هواداران‌شان، خودشان را در مقابل توطئه‌ی احتمالی دشمن مسئول امنیت بدانند. انتخابات را متهم نکنند؛ کسی آب به آسیاب دشمن نریزد؛ در تبلیغات، القاء فضای اختلاف و ناامیدی نشود، تا ان شاء الله انتخابات خوبی داشته باشیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

والعصر. انّ الانسان لفي خسر.

آلّا الذين ءامنوا و عملوا الصّالحات و تواصلوا بالحقّ و تواصلوا بالصّبر.

